



افغان سمون ټولنه

طرح افغانها برای تامین صلح پایدار در افغانستان

دیدگاه تاریخی، اندوخته از گذشته:

برای سومین بار تلاش صورت میگیرد که جنگ چندین دهه افغانستان نقطه پایان یابد. معاهده جینوا، در دهه ۱۹۸۰ میلادی برای نیل به صلح در افغانستان موفق نبود، زیرا افغانها بخش از روند این معاهده نبود. بعد از پارچه شدن اتحاد جماهیر شوروی و احساس موفقیت از شکست شوروی، جهان غرب افغانستان را در دغدغه های داخلی ترک نمود. هیچ یکی از گروه های دخیل به معاهده جینوا اهمیت نداد و گروه های جهادی افغانستان جهت بدست آوردن قدرت کشور را به جنگ های داخلی و قومی دست زدند. جنگ های داخلی افغانستان به جهانیان بعد از سقوط قشون سرخ موضوع سطحی و ضمنی بود. این وضعیت به قدرتهای بزرگ اهمیت ویژه نداشت و با احساس نیرومند فتح نهایی علیه جماهیر شوروی از افغانستان روی گشتانند. صلح در افغانستان باید سطحی تلقی نگردد و در روند صلح و روند های بعدی صدای مردم باید منعکس گردد.

موافقتنامه بن در سال ۲۰۰۱ میلادی به هیچ وجه یک معاهده صلح نبود. بل یک راه حل سریع سیاسی بود که توسط دست های بیرونی تحمیل گردید که در نتیجه بخش بیشتر از حکومت و امور دولت به یک گروه جنگی تحویل داده شد، تنوع و حساسیت های جامعه را در نظر نگرفتند. برای بار دوم اکثریت افغانها از روند بیرون رانده شدند. بیرون کشیدن طالبان از این روند یک عمل قصدی بود که به یک جنگی تحمیلی مبدل گردید. این توافقنامه به جهانیان نیز اهمیت ویژه نداشت که در نتیجه جنگسالاران کشور که از جنگ منفعت بدست میاوردند، ملایدر شدند.

حیطه منظوقی و بین المللی وضعیت فعلی:

تسلط کلی ایالات متحده در کشور با رقابت های جدی منظوقی روبرو میباشد و تبارز ایالات متحده عکس العمل های منظوقی را بمیان آورده است. ساخت و ساز بین المللی انعطاف پذیر بوده و فعالین بزرگ در ایجاد قطب های نیرومند میباشد تا موقف خویش را اطمینانی سازد. متحدین چینایی و روسی برای بدست آورد اهداف جغرافیایی و استراتژییک منظوقی و بین المللی با همدیگر هماهنگ به نظر میرسد. ایران در خلیج فارس نیرومند میشود و یکی از لنگرهای عمده منطقه میباشد. پاکستان دارایی های هستوی خویش را بصورت سریع توسعه میدهد تا در منطقه را با رقیب سرسخت خویش هندوستان توازن قدرت را نگهداری نماید. پاکستان و ایالات متحده امریکا میدانند که رسیدن به هر نوع توافق در افغانستان سبب نجات افراد، پول و ابزار های آنها خواهد گردید و در ساختار جهانی چند قطبی اهمیت خویش را حفظ خواهد داشت.

وضعیت فعلی:

جنگها در افغانستان فعلن در وخیم ترین وضعیت خویش قرار دارد که در بیشتر موارد افراد ملکی در بین جنگ گیر مانده و از اثر آن تلفات جدی ملکی بمیان آمده و تخطی های اشکار تمام قوانین بین المللی جنگ صورت میگیرد. حملات علیه طالبان در یک سال اخیر تاثیرات خطیر بالای افراد ملکی در سرتاسر کشور بویژه در مناطق دهات داشته که در بیشتر موارد جوانان قربانی رقابت های حکومت افغانستان و طالبان میگردد. در چتر جنگ فعلی، گروه های دخیل تلاش دارند که جنگ های جدید را تبارز دهد. حکومت افغانستان، ناتو و طالبان افراد ملکی را برای اهداف استخبارتی خویش مورد استفاده قرار میدهد که سبب افزایش تلفات مردم بی گناه ملکی در دهات گردیده است. این امر سبب شده است که اجتماعات از هم پروپاشیده گردد و مردم محل بالای یکدیگر مشکوک گردد. در بین مردم افغانستان اعتماد وجود ندارد. در عصر حاضر کشور در سه سطح جنگ دست و پنجه نرم میکند، در سطح ملی با طالبان و دیگر گروه های مخالف مسلح، در سطح دوم جنگها محلی بین گروه ها و اقوام بزرگ و سوم در سطح قریه از اثر همکاری با طالبان، ناتو و یا حکومت.

مذاکرات فعلی بین ایالات متحده امریکا و طالبان یک دست آورد سیاسی میباشد. مگر روند صلح که در جریان است، نه تنها حکومت افغانستان را از صحنه دور ساخته است، بل ارزشهای ملت نیز در آن شامل نیست، از این سبب به نظر نمیرسد که این روند سبب تامین صلح پایدار در کشور گردد. رهبران، افراد دارای نفوذ و گروه های دخیل در روند صلح، مذاکرات جاری برای صلح را بدون مشوره های کافی با مردم به پیش میبرند. مردم میخواهد که در مورد صلح بصورت مستقیم با ایشان مشوره صورت گیرد و رهبران قومی نقش نماینده آنها را در میز مذاکرات بازی ننمایند.

پیشنهاد جمهور رئیس محمد اشرف غنی برای صلح تا حدی عناصر عملی برای ایجاد صلح را دارد. مگر، باید مشوره های وسیع و شامل سازی گروه های بی طرف که در کشور حضور دارند و در ایجاد دولت سهم دارند، صورت گیرد. افراد که روند صلح را روی دست گرفته اند، متهم به

بدست آوردن دارایی ها و موقف سیاسی خویش بودند و به هیچگونه از مردم افغانستان بویژه قربانیان جنگ فعلی، نمایندگی نمیتوانند.

این بار ممکن است شاهد تکرار تاریخ گذشته باشیم و سیستم های تاسیس شده در کشور که ارزش میلیاردها دالر را دارد، با خروج ناتو و ایالات متحده امریکا در چندین هفته از بین رود. قابل یادآوری است که افغانها باید بصورت درست در روند صلح نمایندگی داشته باشند. ایجاد صلح و تطبیق صلح در کشور باید مسایل اساسی که ملت و مردم به آن روبرو میباشد، اشکار سازد و به افراد که از جنگها سود میبرند و تحت نفوذ دیگران توقعات دیگران را روی میز میگذارند، اجازه داده نشوند.

این سند موقف انجمن افغان سمون را در مورد روند صلح ارایه میدارد.

هدف:

روند صلح در افغانستان به یک مرحل جدی داخل گردیده است. از زمان آغاز آن در ماه جون سال ۲۰۱۸ میلادی، بیشتر به نظریات افراد با نفوذ تمام جوانب بشمول طالبان و ایالات متحده امریکا میچرخید. در حالیکه روند صلح نیاز به نظریات مردم از همه اقشار جامعه دارد. هدف این سند ارایه یک پیشنهاد برای حل مسایل و نگرانی ها مردم افغانستان که در روند صلح تا عصر حاضر از نظر انداخته شده اند، میباشد. این سند راه حل ویژه را برای نیل به صلح را ارایه میدارد و روش ها و میکانیزمهای را پیشنهاد مینماید که برای صلح پایدار در افغانستان و منطقه ممد ثابت خواهد شد.

تغییرات منطقی تأثیرات جهانی بالای ایجاد صلح در افغانستان را دارد و باید برای بدست آوردن اهداف استراتژیک جغرافیایی، طاقت های بین المللی که در کابل حضور دارند، بگونه ابزار تکتیکی و فشار ها استفاده ننمایند. بل تمام تلاش ها برای ایجاد صلح پایدار برای افغانها، منطقه و جهان باشد. افغانها صلح میخواهد و باید رهبری روند آنرا بدوش داشته باشد، زیرا این صلح برای افغانها و کشور آنها میباشد. افغانها باید تمام اشخاص که نمایندگی از مردم مینماید و صلح میخواهد را متحد ساخته و باید تصویر را از حالات بعد از صلح ترسیم و عناصر آنرا که در نیل به صلح دایمی می انجامد، تعریف نمایند و تضمین کنندگان صلح را شناسایی و تعهد آنها را بدست آورد و تطبیق صلح را به اساس خواسته ها و توافق افغانها تطبیق نمایند.

روند صلح فعلی از اثر عدم اعتماد بین ایالات متحده امریکا و حکومت افغانستان و همچنان عدم اعتماد بین ایالات متحده امریکا و حکومت و طالبان به چالش کشیده شده است. از اینرو، اعتمادسازی بین گروه های دخیل بخش عمده اراده برای ایجاد صلح میباشد. نقشه کشی فعالین اصلی داخلی، فعالین منطقی و جوانب ذیدخل جهانی مهم میباشد. روند صلح باید همه شمول باشد تا به توافق عمومی که افغانها مالکیت آنرا داشته باشد، رسید و تضمین کنندگان اطمینان دهند که از صلح نظارت نموده هر گونه انحراف را شناسایی و گروه های تخطی کننده را به تعهدات تطبیق صلح بر میگردانند. جنگسالاران که گذشته پر خشونت دارند، به هیچ وجه نمایندگی از مردم افغانستان نمیتوانند، از این جهت باید بدیل آنها جستجو گردند. مهم است تا ذکر گردد که حکومت افغانستان و طالبان حق اعلان عفو را ندارند. این حق مربوط به قربانیان جنگهای طولانی در کشور میباشد که کی ها را مورد عفو قرار دهد.

پیشنهادهات:

جنگهای مزمن داخلی بیشتر اوقات پیچیده بود و در جوامع که چندین اقوام در آن زندگی مینمایند، بمیان میاید. افغانستان برای ایجاد صلح یک نمونه مغلق میباشد از این جهت باز دید از معاهده جینوا و توافقنامه بن برای دانستن خلاها مهم میباشد. انتقال از جنگ به صلح نیاز به قربانی ها و دست آوردها دارد. افغانستان نیاز به وارد کردن مودل های حل منازعات از کشورهای بیرون را ندارد، زیرا اسلام و فرهنگ افغانستان اساسات نیرومند برای حل منازعات و صلح را دارد. تطبیق اساسات اسلامی و عنعنوی برای حل منازعات، اسان، کم هزینه و سریع و مورد قبول مردم خواهد بود. از اینرو موارد ذیل را پیشنهاد مینمایم که باید در تمام مراحل مذاکرات صلح بگونه اولویت در نظر گرفته شوند.

عناصر که در مورد آن مصلحت شده نمیتواند:

1. انگیزه مردم: انگیزه و نظریات مردم افغانستان باید در تمام روندها، قبل، در جریان و بعد از روند صلح انعکاس یابد.
2. دولت واحد: به هیچ گروه اجازه داده نشود که در داخل کشور به یک بخش آن فرمانروایی نماید. تمام گروه ها باید برای اجندا و اساسات ملی مطابق به تقاضای مردم اجرائت نمایند. روند صلح باید بین مردم افغانستان اتحاد را ترویج دهد.
3. عدالت انتقالی: اینکه عدالت انتقالی برای صلح پایدار اهمیت کلیدی دارد، نیاز به عدالت انتقالی را باید تمام گروه های دخیل در جنگ درک نماید و شکایات قربانیان را پاسخگویی نموده و جرایم گذشته باید مورد بحث قرار گیرد.
4. رهبری روند باید بدوش افغانها باشد: روند صلح را باید افغانها رهبری نماید و فعالین منطقی و جهانی بدون شرط از آن حمایت نموده و بصورت صادقانه برای نیل اهداف صلح پایدار همکاری نماید.
5. حفظ از ارزشهای دموکراسی: اساسات دموکراسی باید حفظ گردد تا کشور را رهبری نماید و حقوق زنان، آزادی بیان، آزادی رسانه ها و آزادی اقلیت های مذهبی تامین گردد.
6. استقلالیت: استقلالیت افغانستان از نظر تمامیت جغرافیایی، راهکارهای خارجی، امور داخلی و اقتصادی باید بصورت کامل حفظ گردد.
7. نقشه کشی از جوانب ذیدخل: مهم است که تمام جوانب دخیل درجنگ، بشمول تسهیل کنندگان، میانجگران، مذاکره کنندگان را نقشه کشی نموده و وضعیت بعد از صلح جهت تداوم صلح پایدار ترسیم شده و برای یک جامعه عادلانه مذاکره نمایند. ارتقای ظرفیت مذاکره

دخیل سازد. علمای دینی که جنگ فعلی را غیر عادلانه میدانند باید شناسایی گردند و در روند صلح شامل گردند. تخریب کنندگان و کسانیکه در جنگ منفعت خویش را میبینند، از روند صلح رانده شوند.

عناصر اولی برای صلح:

1. اجماع ملی باید بگونه بخش از دیالوگ صلح، ایجاد گردد. افغانستان دارای تنوع میباشد و ساختارهای اجتماعی باید حفظ گردد.
2. تمام گروه های جنگ باید از جنگ بگونه ابزاری استفاده ننمایند.
3. تمام گروه ها باید به یک حل سیاسی جنگ در افغانستان توافق نموده و به آن متعهد باشند.
4. یک دستور العمل برای صلح باید تهیه گردد که از دستور العمل اشخاص فوقیت داشته و صدای مردم در آن منعکس گردیده باشد.
5. اجماع محلی در مورد صلح افغانستان یک امر لازمی میباشد. شامل سازی، حمایه و توافق در مورد صلح افغانستان مهم میباشد.
6. کشورهای منطقه باید علنی اعلان نمایند که در امور داخلی افغانستان مداخله نمینمایند و روند صلح را حمایت مینمایند.
7. ملل متحد، سازمان کشورهای اسلامی و مجتمع های بین المللی دیگر باید هر چه زودتر اقدام نموده و داخل روند صلح شوند و نقش مستقل و بی طرف خویش را بصورت تسهیل کننده و تضمین کننده ایفا نمایند.
8. تمام گروه های دخیل در جنگ باید اعلان نمایند که به زندگی مشترک با یکدیگر و همسایگان در صلح ارزش میدهد و به امنیت ملی، منطقوی و بین المللی تهدید ایجاد نمی نماید.
9. تمام گروه های دخیل در جنگ باید بدون قید و شرط به آتش بس کامل و فوری توافق نموده آنرا اجرا نمایند و به میکانیزمهای مذاکرات صلح نیز توافق نمایند، تا برای مذاکرات صلح و رسیدن به توافق زمینه هموار گردد.
10. تمام گروه های دخیل در جنگ باید زندانیان جنگی را مطابق به یک میکانیزم پلان شده و توافق رها نمایند.
11. تمام گروه های دخیل در جنگ باید به یک چارچوب و مکان مذاکرات صلح کار نمایند.
12. در جریان مذاکرات صلح، به کمکهای بشری باید اجازه داده شود تا به مردم نیازمند در مناطق متاثر از جنگ کمکها صورت گیرد.
13. حکومت افغانستان، شرکای بین المللی و تضمین کنندگان بالقوه صلح باید تمام ابزارهای حمایه برای روند صلح بشمول مکان برای مذاکرات، منابع و امنیت افراد که در روند صلح اشتراک مینمایند، تدارک نماید.

در مورد انجمن افغان سمون:

در این مرحله حساس تاریخ، نیاز به این دیده میشود که افراد فعال و مسوولیت پذیر جامعه بی تفاوت نمانند و طرف روند سیاسی جاری کشور بر طرف یا محور منافع ملی کشور هدایت دهند. خودسرای سیاسی باعث میشود که فقط اهداف افراد محدود بر آورده شود، درحالیکه تعداد زیاد از مناطق کشور با مشکل نا امنی و بی عدالت دست و گریبان است، به ویژه باشندگان مناطق جنگ دیده و محروم در مورد خود احساس جدایی و محرومیت میکنند. نباید دست آوردهای بیش از یک دهه گذشته در مناطق و شهر های محدود باقی بمانند، بلکه باید به مناطقی نیز تمدید شود که تاکنون از نعمت امنیت محروم است. لازم است که برای از بین بردن فاصله میان دولت و مردم یک گروه سالم فشار وجود داشته باشد هدف آن فقط رساندن افراد به قدرت نه، بلکه هدف آن مجبور ساختن مقامات برای خدمت به مردم باشد. انجمن افغان سمون، به هدف حفظ منافع تعداد زیاد از مردم محروم در روند سیاسی کشور و به هدف اصلاحات خوب در سال ۱۳۹۴ هجری شمسی ایجاد شد.

برای معلومات بیشتر با ما در تماس شوید:

ایمیل afghansamoon8@gmail.com

د اړیکو شمېرې: 0788499918 او 0744249545